

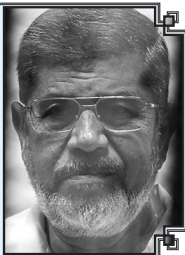
«... دعوای ما دعوی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا می‌کنیم...
دعوی من و شما و همه کسانی که دعا می‌کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



تراژدی مرگ محمد مرسی

سید هادی خسروشاهی



سال چهل و شش • شماره ۶ • شماره مسلسل ۱۵۹۶ • نیمه دوم خرداد ماه ۱۳۹۸ • قیمت: ۵۰۰ تومان

نهیضت قرآن پژوهی در حوزه علمیه قم



پیش از هجرت علامه طباطبایی به حوزه علمیه قم، شاید بتوان گفت که اصولاً در محافل حوزوی، به مسئله تفسیر قرآن مجید توجهی نمی‌شد و اگر در گوشه و کنار شهر و حوزه، عالمی به تفسیر قرآن می‌پرداخت، با «انگ» کم‌سودی روبرو می‌شد که به جای فقه و اصول، به تفسیر روی آورده است! علامه طباطبایی پس از ورود به قم، نخست به تدریس فقه و اصول پرداخت، اما طولی نکشید که به قول خودشان، دید که قرآن مهجور مانده و باید به جای فقه و اصول که به اندازه کافی استادانی برای تدریس هستند، به تفسیر قرآن بپردازد و در این خصوص، جلسات درسی رسمی در مسجد «مدرسه حجتیه» آغاز کرد که با استقبال فضلا و طلاب محترم حوزه روبرو گردید. البته معظم‌له نیز از اتهام کم‌سودی! دور نماند، ولی باز به قول خودشان، این امر در قبال خدمتی که آغاز شده بود، اهمیتی نداشت و با استمرار امر، به تدریج موضوع جنبه رسمی و عمومی پیدا خواهد کرد. بخشی از محصولات آن جلسات، رفته رفته با عنوان «تفسیر المیزان» چاپ شد و در طی بیش از بیست سال، در بیست مجلد، در اختیار مشتاقان قرار گرفت. سخن درباره اهمیت و ارزش علمی المیزان نیازمند بحث مشروحی است که خوشبختانه بعضی از فضایی حوزه به آن پرداخته و مقالات ارجمندی مستقلاً یا در فصلنامه‌های حوزوی منتشر ساخته‌اند. آنچه در این یادداشت در نظر است، اهمیت آغاز حرکت تفسیر قرآن با المیزان و استقامت مرحوم علامه طباطبایی است. در واقع ایشان حرکتی را در حوزه بنیان گذاشت که محصولش رسمی شدن تدریس تفسیر قرآن و تألیف و نشر تفاسیری گرانسنگ، به همت بعضی از تلامذه آن بزرگوار است که هم اکنون در عمل جانشین به حق استاد در این زمینه هستند که فهرست وار یاد می‌شوند.

«تفسیر نمونه» و «پیام قرآن» تألیف حضرت آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، «مفاهیم القرآن» و «منشور جاوید» تألیف حضرت آیت‌الله جعفر سبحانی، تفسیر عرفانی «تسنیم» تألیف آیت‌الله جوادی آملی و تفسیر «الفرقان»، تألیف مرحوم آیت‌الله محمدصادق تهرانی و... البته اینها نمونه‌هایی از مجموعه‌های کامل تفاسیری است که در نیم قرن اخیر در حوزه علمیه قم منتشر شده و تفاسیر دیگری نیز هست که برخی از علما به طور اجمال درباره بعضی از سوره‌ها نگاشته‌اند که همه آنها ارزش علمی خاصی دارند و شایان تقدیرند؛ از جمله «تفسیر آیات الاحکام» دوازده جلدی آیت‌الله زین‌العابدین قربانی (در رشت) که جامع‌ترین تفسیر در این زمینه است؛ همچنین خلاصه التفاسیر الموجز المفید فی تفسیر القرآن المجید، تألیف آیت‌الله محمدعلی تسخیری و سماحه الشیخ محمدسعید التعمانی، تفسیر مرحوم آیت‌الله قریشی (در ارومیه) و تفسیر بانوی اصفهانی و... البته تفسیر ارزشمند «انوار درخشان» تألیف مرحوم آیت‌الله نجفی همدانی که همزمان با این آثار منتشر شده نشان‌دهنده عمق تأثیر حرکت قرآنی در حوزه‌های علمیه ایران است.

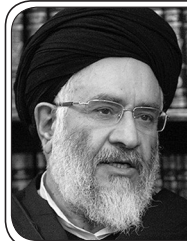
وقتی جامعه عالم با فضیلتی را از دست می‌دهد!...

دکتر سید محمد تقی



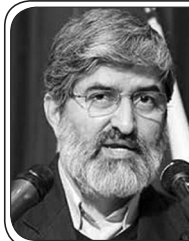
آیت‌الله محقق داماد:

پیشرفت
دانش‌های
اسلامی با دیالوگ
امکانپذیر است



علی مطهری:

چه کسی
مسئول حفظ
زبان پارسی
است؟



چند تذکار

بدهند!... رهنمودی از این بهتر؟
۵. اگر تلویزیون ملی! ما! با آنهمه شبکه‌های پرهزینه و اغلب بی‌فایده. صحنه‌های عزاداری و مداحی‌ها و روضه‌ها و وعظ‌های بلافایده و سریال‌های زنانه، توام با جیغ و داد و فریاد و کتک زدن و حتی فحاشی! اقطع و یا حداقل کم کند، به خدا و به پیر و به پیغمبر، فایه بیشتری خواهد داشت. هذه تذکره لمن یتذکر او یخشی.

قم. ابوبصیر

منبع: روزنامه جمهوری اسلامی

وفات امام جعفر صادق (ع) تاریخ تعطیل رسمی

در امرداد ۱۳۳۰، دکتر مصدق نخست وزیر وقت با ارسال بخشنامه به وزارت خانه‌ها، ادارات و بنگاه‌های وابسته به دولت، روز دوشنبه ۷ امرداد را که مصادف با رحلت ششمین پیشوای شیعیان بود، تعطیل رسمی اعلام نمود. به همین مناسبت مقرر گردید از شب یکشنبه تا غروب دوشنبه به جای پخش موسیقی از رادیو، قرآن تلاوت و گفتارها و سخنرانی‌های سودمند اخلاقی به سمع شنوگان رسانده شود.

مرحوم آیه الله شیخ بهاء الدین صدوقی همدانی با انتشار اطلاعیه‌ای به این مناسبت، سیاستگرایی خود را از دکتر مصدق اعلام و همچنین تأییدات او را در پیشرفت مقاصد حقه و حفظ استقلال کشور اسلامی به شرح زیر اعلام داشت.

باسمه تعالی

جای بسی تشکرات که حسب الامر حضرت آیه الله حاج سیدابوالقاسم کاشانی دام‌ظله به مناسبت ۲۵ شوال که وفات ششمین امام و مؤسس مذهب جعفری است، جناب آقای نخست وزیر محبوب ایران دامت عظمت از تعطیلات رسمی و روزسوگواری معرفی فرموده‌اند.

این داعی بنوبه خود و از طرف جامعه جعفری مذهب، تشکر قلبیه خود را تقدیم و از خداوند تأییدات آن جناب را در پیشرفت مقاصد حقه و حفظ استقلال کشور اسلامی صانها الله عن الحوادث، مسئلت می‌نمایم.*
الاحقر بهاء الدین صدوقی همدانی

پی‌نویس:

* روزنامه اطلاعات، ۶ امرداد ۱۳۳۰

۱. به مناسبت «روز قدس» دانشگاه علامه طباطبائی برنامه گفتگو با یکی از شخصیت‌های آشنا با مسئله فلسطین با شرکت چند دانشجوی دختر و پسر ترتیب داده بود که تلویزیون ملی! ما! به پوشش کامل آن پرداخت. اما مهم این بود که در بین شرکت‌کنندگان، دختر خانمی با یک روسری کاملاً عقب‌رفته چیزی شبیه بی‌حجاب اظهار وجود می‌کرد و تلویزیون ملی! ما! به اوزوم! می‌کرد و افاضات او را پخش می‌کرد... خوب اگر نتایج کسی دعوت شده که مراعات اصول را نمی‌کند نمی‌گوییم او را اخراج کنند. ولی حتماً می‌گوییم که چرا در پخش سخنان او با آن وضع بدحجابی، آنهم در یک موسسه علمی دینی، اصرار دارند؟
۲. در مراسم ۲۲ بهمن و روز قدس و عید فطر، همواره گزارشگران تلویزیون به سراغ بانوان بدحجابی می‌روند که عینک دودی به چشم دارند و قسمتی از زلف‌ها بیرون است... و بعضی‌ها هم آرایش کامل دارند... درست است که آنها هم از اسلام و انقلاب و قدس و فطر! دفاع می‌کنند... ولی اگر آنها را در غیر آن روزها، در خیابان بیند به عنوان بدحجاب! ارشادی‌ها بر خورد نمی‌کنند؟ اصولاً این گشت ارشاد چه لزومی دارد که به این قبیل بانوان «گیر» می‌دهد تا تبدیل به بی‌حجاب شوند؟ پس روز قدس و ۲۲ بهمن و مراسم دیگر کجا هستند؟

من شخصاً یکی دو مورد از برخورد این مسئولین گشت‌ها، با این بانوان را در خیابان‌های تهران شاهد بوده‌ام که علاوه بر جیغ و داد و فریاد آنها و تجمع مردم به نفع آنها، هیچ نتیجه مثبتی نداشت.

البته تلویزیونی‌ها حتی در مصاحبه با مردان هم سراغ کسانی می‌روند که حتماً عینک دودی! دارند! راستی چرا؟
۳. در احکام صادره، بر ضد فاسدان و مقسدان اقتصادی، نوعاً از محکومیت ده ساله و بیست ساله متهمان سخن به میان می‌آید ولی در کیفیت اخذ اموال و برگشت مبالغ اختلاسی و دزدی شده سخنی به میان نمی‌آید، چرا؟

۴. اغلب برنامه‌های به اصطلاح دینی! شبکه‌های متعدد و غیر لازم تلویزیون ملی! همواره و بویژه در ماه مبارک، فاقد جذابیت است و متأسفانه برای ناووری! افراد معممی را هم به صحنه می‌آورند که گاهی از معلومات کافی برخوردار نیستند. دیشب یکی از آنها می‌فرمود: بانوانی که کفاره روزه دارند، برون از شوهران خود مهریه خود را مطالبه کنند تا کفاره روزه را

نهضت قرآن پژوهی در حوزه علمیه قم

و خوش‌تدوین و پراطلاع و سرشار از نکات علمی که با نثری روشن و روان و خوشخوان نگاشته شده است. نه ایجاز مغل دارد و نه اطناب ممل و احاطه علمی و قرآن‌شناسی شامخ مؤلف از سرپای آن آشکار است و در عین حرفه‌ای و تخصصی بودن، برای غیر متخصصان هم مفهوم است...»



... جناب جعفری از

فضلا و نویسندگان قدیمی حوزه علمیه قم می‌باشند که علاوه بر همکاری با مجله «مکتب اسلام» مدتی نیز به عنوان «نعم‌البدل» حقیر، مسئولیت اداره ماهنامه «نسل‌نو» را به عهده داشت و سرانجام خوشبختانه توفیق الهی نصیبش گردید و توانست با پشتکاری قابل تحسین، بیست و دو سال از عمر پربار خود را صرف تألیف این تفسیر ارزشمند بنماید و اثری ماندگار از خود به یادگار بگذارد.

در پایان بی‌مناسبت نیست اشاره کنم که همزمان با نشر تفسیر کوثر، تفسیر نفیس دیگری به نام «تفسیر شمس» در ده جلد از حوزه علمیه قم منتشر گردید که مؤلف محترم، یکی از برادران همکار ما در وزارت امور خارجه، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی بروجردی است که اشتغال در وزارت خارجه و خدمت در سفارت ایران در واتیکان و سپس تونس، او را از کار علمی و طلبگی باز نداشت و ضمن اشتغال به امور مربوطه، به تألیف این تفسیر گرانسنگ پرداخت که خوشبختانه نتیجه زحمات درازمدتش به ثمر رسید و تفسیر شمس به همت انتشارات «بوستان» قم به زیور طبع آراسته گردید.

سیدهادی خسروشاهی

منبع: روزنامه اطلاعات، ۲۵ خرداد ۱۳۹۸

هجرت» در دوازده جلد به چاپ رسانده است و در ماه مبارک رمضان ۱۳۹۸، با حضور آیت‌الله العظمی سبحانی و علمای حوزه در دارالقرآن علامه طباطبایی رونمایی شد. معظم‌له پس از ذکر مقدمه‌ای با عنوان «نهایت‌ناپذیری بهره‌مندی از قرآن» و بیان تاریخچه نهضت تفسیرنگاری، در مورد تفسیر کوثر چنین فرموده‌اند:

از دستاوردهای نهضت قرآنی در دهه دوم قرن پانزدهم، تفسیر گرانسنگ و ارزشمند «کوثر» است که با شیوه‌ای بس متناسب با نیازهای روز نگارش یافته و برای مخاطبان خاص خود هدیه گرانمایی را تقدیم داشته است. مؤلف محترم که خود از پیشکسوتان علوم قرآنی در حوزه علمیه قم می‌باشد، به نگارش چنین تفسیری دست زده که از ویژگی‌هایی که هم‌اکنون یادآور می‌شویم برخوردار است:

۱. پس از نقل آیاتی چند که با هم پیوند دارند، همراه با ترجمه روان، به نکات لغوی و ادبی پرداخته و این بخش ادبی را از تفسیر جدا کرده است.

۲. از یادآوری احتمالات بی‌پایه که تفاسیر را پر کرده، خودداری نموده و محکم‌ترین و استوارترین احتمال در مفاد آیه را متذکر شده‌اند.

۳. از ذکر شأن نزول‌ها جز در مواردی که می‌تواند ابهام آیه را برطرف کند، چشم پوشیده و از روایات پیشوایان (ع) بهره کافی برده است.

۴. در این تفسیر علاوه بر اینکه از سخنان مفسران شیعه و سنی استفاده شده، مطالب جدید و ابتکاری فراوانی وجود دارد.

۵. در برخی از آیات به یک رشته مسائل فقهی، علمی، فلسفی و تاریخی اشاره شده

... به موازات نشر این آثار، فصلنامه‌های قرآنی و مراکز قرآن پژوهی و مؤسسه‌های نشر قرآن در اغلب بلاد ایران، به ویژه حوزه علمیه قم تأسیس شدند که هر کدام به نوبه خود به فعالیت‌های ارزشمندی در این زمینه پرداخته‌اند. یکی از بنیادها «مؤسسه فرهنگی ترجمان وحی» است که حجت‌الاسلام والمسلمین محمد نقدی آن را در سال ۱۳۷۲ در قم تأسیس کرد و به نشر ترجمه‌های قرآن مجید به زبان‌های خارجی همت گماشت و تاکنون قرآن را به زبان‌های گوناگون، ترجمه و منتشر ساخته است که جای این امر، در حوزه علمیه قم خالی بود. برای ثبت در تاریخ اشاره به این نکته بی‌مناسبت نیست که این بنده از سال ۱۳۵۲ به بعد به نشر ترجمه‌های قرآن (علاوه بر متن اصلی عربی) به زبان‌های انگلیسی و سپس آلمانی در مؤسسه «مرکز بررسی‌های اسلامی قم» اقدام نمود و این امر با نشر ترجمه ایتالیایی قرآن مجید، در ایتالیا (رم) به همت «مرکز فرهنگی اسلامی اروپا رم» ادامه یافت؛ ولی با تأسیس «مؤسسه فرهنگی ترجمان وحی»، ضرورتی بر استمرار امر و موازی کاری احساس نشد و جناب نقدی (حفظه الله) با تلاش خستگی‌ناپذیری در این راستا حرکت نمود.

این مؤسسه علاوه بر نشر فصلنامه «ترجمان وحی» و چاپ قرآن مجید به زبان‌های خارجی، به نشر بعضی از آثار در زمینه پژوهش‌های قرآنی پرداخت و آخرین اثر منتشرشده آن تفسیر گرانسنگ «کوثر» است که جدیدترین تفسیر قرآن به زبان فارسی است و محصول تقریباً ربع قرن پژوهش تحسین‌برانگیز برادر مکرم، حجت‌الاسلام والمسلمین یعقوب جعفری است. این تفسیر نفیس را «انتشارات

آیت‌الله محقق داماد:

پیشرفت دانش‌های اسلامی با دیالوگ امکانپذیر است

سلول عمل کردند که غذای بیرون را می‌گیرد، آشغال آن را دفع می‌کند و منافعش را جذب می‌کند، اما خودش روی پای خود رشد می‌کند. لذا خودش رشد کرده است. فلسفه اسلامی اینطور است و به خاطر همان آموزه‌هایی که داده بودند و فرمودند که «خذ العلم و لو من المنافق»، لذا دانش‌هایی را گرفتیم، اما خودمان رشد کردیم. فلسفه این سینا و فارابی، اسلامی است و این درست نیست که عیناً از یونان گرفته شده باشد.

مباحثه طلاب یکی از نقاط قوت حوزه علمیه

دکتر محقق داماد بیان کرد: عامل مهم دیگر در رشد دانش‌ها، عامل گفت‌وگو است. یعنی فهمیدن یکدیگر که باید ببینیم شما چه دارید تا هر دو رشد کنیم. ادامه در صفحه بعد

ساده از کنار آن هارد شویم چراکه به ما یاد داده تا آموزش را از هر کجا بگیریم و مسلمانان نیز دانش را از همه جا گرفته‌اند و این غلط است که بگوییم فلسفه اسلامی دقیقاً فلسفه یونان است.

آقای محقق داماد بیان کرد: کسانی که می‌گویند فلسفه اسلامی یونانی است، ناشی از عدم اطلاع در فلسفه اسلامی است. کسی که فلسفه یونان و اسلام را نمی‌داند، طبعاً نمی‌داند که این سینا با فلسفه یونانی چه کرده و بنابراین ممکن است این حرف را بزند. اما اسلام دفع کلی نکرده که دروازه‌ها را ببندد و بگوید که هیچ چیزی را از غرب نمی‌گیریم که البته اندیشه خوبی هم نیست. جذب مطلق نیز نکرد که تقلید کنیم. به قول استاد مرحوم، شهید مطهری می‌فرمود که اسلام و اندیشوران اسلامی، مانند یک

از قرآن است. تکثرگرایی که قرآن ایجاد کرده، این است که همه ادیان را قبول کنیم و کافر در کنار مسلمان بزید. این برگرفته از تعلیمات قرآن بود که این تمدن را برپا ساخت. فلسفه مسلمین نیز غلط است و این نیز فشاری است که غریبان آورده‌اند و فلسفه اسلام صحیح است. دانش‌هایی که در دامن اسلام رشد کرد اینگونه است که اگر یک نگاهی بیندازیم، می‌بینیم که عوامل مهمی در این شتاب و هنگامه‌ای که این دانش‌ها پیشرفت کرده، وجود دارد.

این استاد دانشگاه تصریح کرد: در این بین دو عامل از همه مهم‌تر است. یکی همان که در این همایش نیز اشاره شد، یعنی این تعلیمی که پیامبر (ص) داده بود که فرمود «خذ العلم ول من افواه الرجال». این قبیل جملات، بسیار مهم‌اند و نباید

به گزارش خبرگزاری ایکنا؛ همایش «نسبت فلسفه و تمدن در جهان اسلام» در سالن صدرالمآلهین دانشکده الهیات و ادیان دانشگاه شهید بهشتی، با حضور جمعی از اندیشمندان و علاقه‌مندان برگزار شد.

آیت‌الله سید مصطفی محقق داماد، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی در این همایش بیان کرد: من معتقد به وجود فلسفه اسلامی هستم، کما اینکه معتقد به تمدنی به نام تمدن اسلامی هستم. این اندیشه که بگوییم تمدن در جامعه اسلامی یا فلسفه در جامعه اسلامی، ناشی از فشاری است که غربی‌ها بر ما وارد ساختند و ما نیز نباید دنبال آن‌ها برویم.

بهترین تمدن برگرفته از قرآن است
وی در ادامه افزود: بهترین تمدن برگرفته

آوردیم که خواننده پس از فراغت از تفسیر آیه مورد بحث، اگر بخواهد موضوعی را که در آن آیه آمده به تفصیل دنبال کند، به آن بحثهای مستقل مراجعه نماید. البته این بحثها فقط پیرامون بعضی از آیاتی است که بحث مفصلتری را طلب می کنند و سعی کردیم که این بحثها را در تمام مجلدات تفسیر پراکنده کنیم و چنین نباشد که به مناسبت آیاتی که در اوایل قرآن آمده همه بحثها را بیاوریم و جلدهای بعدی خالی از آن باشد.

همچنین پس از تفسیر آیات، در مواردی که لازم دیدیم، روایاتی را که از حضرات معصومین در تفسیر آن آیات آمده، بیان کردیم و البته روایاتی را که کوتاه بود با متن عربی و ترجمه آوردیم ولی متن عربی روایات مفصل را ذکر نکردیم و فقط به ترجمه آنها بسنده نمودیم.

ضمناً این تفسیر را «کوثر» نام نهادیم که به معنای خیر کثیر و نیکی فراوان و هم، نام کوتاهترین سوره قرآن است و نیز کوثر در آیه انا اعطیناک الکوثر به خود قرآن تفسیر شده است و می توان آن را یکی از القاب قرآن دانست و همچنین این کلمه مقدس یادآور بانوی بزرگ اسلام حضرت فاطمه زهرا (س) است زیرا کوثر در همان آیه علاوه بر قرآن و چند مفهوم دیگر، بر وجود مبارک آن حضرت نیز تفسیر شده و اینکه نسل پیامبر از جانب او در زمین گسترش می یابد. به همین جهت این اثر، به روح مقدس آن بزرگوار اهدا می شود.

قم. یعقوب جعفری مراغی (جعفری نیا)

همین یک دریچه را دارم و می خوانند این دریچه را ببندند. لذا آشتیانی ضربه زد که آقاعلی زنوزی به فرانسه نرفت، اما علامه طباطبایی مقاومت کرد و ادامه داد.

محقق داماد در ادامه افزود: به خاطر دارم که در آخرین سال ها گفتیم، کربن مسلمان شد؟ گفتند او یک شیعه فوت کرد. به هر حال الآن نیز قضیه کربن در استراسبورگ داغ است و علمای فلسفه آنجا در این گفت و گو مانده بودند که چطور او اسلامی شده است.

این استاد دانشگاه تصریح کرد: راز دوم پیشرفت دانش های اسلامی، همین دیالوگ است. ابایی نداشتند از اینکه با خود و دیگران گفت و گو کنند. احتجاجات طبرسی را ببیند، هیچ کسی باکی نداشت که با دیگران گفت و گو کند. بنابراین این گفت و گو را باید تقویت کنیم و ایراد این است که فلسفه، سر سفره مردم نمی آید و به زندگی مردم ارتباطی ندارد. راست هم می گویند بالاخره بحث وجود اصیل است یا ماهیت سر جای خود، اما شام امشب مردم چه می شود؟ متأسفانه ما مسئله جو نیستیم و اگر با فلسفه های دیگر آشنا شویم، اتفاقات خوبی می افتد.

مقدمه تفسیر کوثر



اینک در سن پنجاه سالگی پس از سالها قلمزنی و تألیف و تحقیق در این مسیر گام می نهم و خدای را سیاستگذارم که چنین توفیقی را به من ارزانی داشت و همه اسباب و علل و امکانات نوشتن يك تفسیر را برای من فراهم ساخت و از او می خواهیم که توفیق ادامه این کار را نیز به من عنایت فرماید و مرا از هر گونه لغزش و خطا مصون و محفوظ نماید.

معمولاً در مقدمه تفاسیر، مطالب مفصلی درباره تاریخ و علوم قرآنی می آورند ولی ما از این کار صرفنظر می کنیم و توجه خوانندگان بزرگوار را به کتاب «سیری در علوم قرآن» تألیف اینجانب که چندی پیش منتشر شد، معطوف می دارم و در اینجا فقط روش خود را در تفسیر آیات قرآنی بیان می کنیم:

روش ما بدینگونه بوده است که نخست، متن يك یا چند آیه را که مربوط به همدیگرند آوردیم سپس ترجمه فارسی آن را تقدیم کردیم. آنگاه نکات ادبی آن متن را به طور مستقل خاطرنشان ساختیم و در این قسمت به شرح و توضیح لغات مشکل و بیان اعراب بعضی از جملات پرداختیم پس از آن وارد تفسیر و توضیح آیات شدیم و مطالبی را که برای توضیح کامل آیه لازم می دانستیم بیان کردیم و اگر شأن نزولی بود که در فهم آیه تأثیر دارد آن را نیز آوردیم. و جز در موارد اندکی، به اختلاف مفسران اشاره نکردیم و تنها برداشت خود را از آیه بیان نمودیم همچنین در این قسمت از ذکر مطالب مفصلی که مضمون آیه مورد بحث در میان آن گم می شود، خودداری کردیم و این گونه مطالب جنبی را به صورت بحثهای مستقل و جداگانه

هستیم که حاصل تلاش فرزاندانی است که خود را در خدمت قرآن قرار داده اند و سالیان بسیاری از عمر خود را به تفسیر و توضیح و کشف و بیان آیات قرآنی گمارده اند و ثروتی عظیم و ماندگار برای ما پیشکش کرده اند. ولی حقیقت این است که با وجود تمام این تفاسیر پرارزش، هنوز هم گنجینه پایان ناپذیر علوم و معارف قرآنی انباشته از نکات فراوانی است که کشف و استخراج آنها تعمقی دوباره و نگرشی تازه را طلب می کند و میدان برای پژوهندگان و جویندگان بعدی همواره باز است که همت گمارند و به اندازه درک و فهم خود در این دریای ناپیداکارانه غور کنند و مطالب تازه ای بدست آورند. کم ترك الاول للآخر.

اینک این حقیر نیز با این بضاعت ناچیز به خود جرئت داده ام که با زلای از جاری قرآن لبی ترکم و با استعانت از خدا و ارواح مقدسه معصومین (ع) در تفسیر و توضیح آیه های قرآنی گامی هر چند لرزان بردارم و دیداری دوباره با قرآن داشته باشم. البته این دیدار بعد از آن میسر شد که سالیان متمادی در زوایای علوم وابسته به قرآن مانند فقه و کلام و حدیث و تفسیر و ادبیات عربی و تاریخ کار کردم و جوانی و میانسالی خود را بر سر آن گذاشتم و کتابهای متعددی در این زمینه ها تألیف کردم و

انجام داد که این قضیه برخورد فهاخت از دوره امام صادق (ع) شروع شده است.

گناه دیرین طلاب فلسفه

محقق داماد تصریح کرد: ما طلاب فلسفه، گناهی داریم که قبل از ما نیز مرتکب شده اند و البته به دنبال آن می رویم. متأسفانه راه علامه طباطبایی و تعلیمی که ایشان داد را دنبال نکردیم که همان گفت و گو با مکاتب دیگر است. این را علامه طباطبایی در عمر ما آغاز کرد و قبل از عمر ما در دوره قاجار، مرحوم آقاعلی مدرس زنوزی انجام داد که ایشان، مدرس مدرسه سپهسالار قدیم که بین مروی و خیابان سرچشمه است بود. در آنجا «کونت دوگوبینو» وزیر فرانسه آمده خدمت ایشان و از ایشان خواست که شرح حال علمای فلاسفه اسلامی را برایش بنویسد. به قدری فلسفه اسلامی ایشان را جذب کرد که از مرحوم زنوزی دعوت کرد که در سوربون درس بدهد. آقاعلی مدرس زنوزی علاقه مند شد که برود آنجا و تدریس کند. آماده می شود و طلبی از جمله مرحوم آشتیانی نگذاشتند که این اتفاق رخ دهد و ای کاش گذاشته بودند که اگر گذاشته بودند گفت و گو بیشتری داشتیم.

بسم الله الرحمن الرحيم

آن دم که باران رحمت الهی بر تشنگان حق و عدالت باریدن گرفت و آیه های قرآن بردل و جان محمد (ص) نشست، بزرگترین حادثه در تاریخ اتفاق افتاد و خداوند با ارزشترین نعمت خود را برای بشر ارزانی داشت و انسان خاك نشین شایستگی آن را یافت که با ساکنان حرم سز ملکوت دمساز شود و مخاطب قرآن باشد.

انفجار نوری که با نزول قرآن در جامعه بشری واقع شد، سرنوشت انسان را تغییر داد و این امکان را فراهم ساخت که بشر کاخی بلند از آرمانهای همیشه سرکوفته خود را پی افکند و آن شهر ناکجا آباد را که همواره در جستجوی آن بود، بر خرابه های جاهلیت بنیاد نهد؛ هر چند که جامعه آن روز بخصوص پس از رحلت پیامبر اسلام (ص) در بهره گیری شایسته از این امکان کوتاهی کرد.

البته قرآن تنها برای بشر آن روز نازل نشده بود بلکه با نزول قرآن سفره ای از آسمان در زمین گسترده شده که بشر را در طول نسلها و قرنهای به میهمانی فرا می خواند و مائده های خود را در اختیار همگان می گذارد و انسان در هر عصری می تواند به اندازه گنجایش استعداد و سعه وجودی خود از این خوان پر خیر و برکت تغذیه کند و بهره گیرد.

در طول تاریخ، اندیشمندان بسیاری در کنار این خوان نعمت نشسته اند و عمر خود را با آن سپری کرده اند و کوشیده اند که یافته های خود را به دیگران منتقل سازند و نتیجه آن، تفاسیر بالارزشی شده که از آنها به یادگار مانده است و ما اکنون میراثدار مجموعه ای گرانسنگ از تفاسیر گوناگونی

ادامه از صفحه قبل

دانشمندان اسلامی، با دیگران دیالوگ داشتند و البته که اول با خود و بعد با دیگران این دیالوگ را داشتند و یکی از نقاط موفقیت حوزه علمیه، مباحثه کردن طلاب با یکدیگر است که یکی از عوامل رشد فکری در حوزه های قم همین است که متأسفانه در دانشگاه چنین فضایی را نمی بینیم و متأسفانه این که گفتیم وحدت حوزه و دانشگاه باید واقع شود، نتوانستیم کاری در این راستا انجام دهیم. استادها با یکدیگر گفت و گو نمی کنند اما در اندیشه اسلامی بدان توجه شده است.

قضیه برخورد فهاخت از دوره امام صادق شروع شد

این استاد دانشگاه در ادامه افزود: در فقه نیز همینطور است و شما ببینید که در قرن پنجم، شیخ طوسی کتاب «الخلاف» را دارد، ولی یک نسخه خطی دیدم که اسم کتاب، یک دنباله ای هم دارد و نمی دانم چرا دنباله اش را حذف کرده اند و در واقع نام کامل کتاب «الخلاف و الوفاق» است که در کتابخانه آمریکادیدم. یعنی نشان داده که کجا موافق اهل سنت و کجا مخالف آن ها هستیم. شیخ طوسی در ابتدا این کار را

مروری بر اشتباه آشتیانی ها

وی بیان کرد: البته این گفت و گو آغاز شد و مروی از شاهزاده های قاجار به نام بدیع الملک، از فلسفه غرب سؤالاتی مطرح کرد و نزد آقاعلی مدرس آمد که این سؤالات را فلسفه اسلامی چطور جواب می دهد. همچنین میرزا علی اکبر حکمی نیز که ایشان فلسفه درس می داد و امام خمینی (ره) نیز در درس ایشان حاضر می شده به این سؤالات جواب هایی داده است که مختصر هستند، اما پاسخ های مفصل را ملاعلی زنوزی داده است و کتابی نوشته که ۱۵ سؤال از مسائلی که در فلسفه غرب مطرح است را پاسخ داد و اسم آن را نیز بدایع الحکم گذاشته است که یکی از نمونه های گفت و گوی فلسفه اسلامی و غرب است که در عهد قاجار شروع شد. جلسات علامه طباطبایی با کربن نیز دنباله همان است که وقتی با ایشان به تهران می آمیم که جلسه کربن بروند، برخی به ایشان می گفتند که آقا! برخی ها مصلحت نمی دانند که این جلسات تشکیل شود و در مورد کربن نیز حرف هایی می زنند. بهتر است که جلسات را تعطیل کنید. ایشان گفتند خدایا من برای آشنایی با غرب

بعضی از مفسران در تفسیر آیه شریفه: «أولم یروا أنا نأتی الارض نقصها من أطرافها» رد ۴/۱ آیا نمی بینید که زمین را با نقصان و کمبود از اطراف آن، می آوردیم، گفته اند که منظور از نقصان اطراف زمین، مرگ علما و فقها و اخبار و نیکان زمین است.^(۱)

طبیعی است که نقصان و کمبود در زمین، کمبودی و نقصان در بعد فرهنگی آن است که با مرگ و فقدان، عامل نشر فرهنگ فضیلت و تقوا، در زندگی اجتماعی کمبودی حاصل می شود.

اصولاً پیشرفت جامعه ها، در همه ابعاد آن: سیاسی، فرهنگی، علمی، به وجود و حضور شخصیت های با تجربه سیاسی و علمی میسر می شود.

اگر در دوره نهضت مشروطیت در ایران، فضای آزادی خواهی و ضد استبداد و نضج گرفته است دقیقاً مهرون فرهنگ سیاسی آن دوره از حیات سیاسی جهان بوده است. به علاوه در جامعه ایران وجود شخصیت های علمی و آگاه به مقتضیات روز چنین فضایی را ایجاد کرده است.^(۲)

در دوره معاصر نیز، در حوزه علمیه قم، در همه ابعاد آن، ظهور شخصیت های تأثیرگذار و عالمان بزرگ اسلامی بوده است که سبب تحول و دگرگونی عمیق و ژرف در زمینه فرهنگ و معارف اسلامی، سیاسی می باشد. حضور علامه طباطبائی (ره) در حوزه علمیه، و تضجیه او، در تفسیر بی نظیر «المیزان» نمونه ای از این شخصیت ها است. این شخصیت بزرگوار با فداکاری خود، رشته «تفسیر قرآن» را که مدت ها از عرصه فرهنگی معارف حوزه ها، غایب بوده است احیاء کرد و یا در زمینه تعلیم فلسفه و رشد عقلانیت و تربیت شخصیت های علمی، فلسفی نظیر شهید مطهری و آیت الله جوادی آملی و... گام دیگر این شخصیت در تربیت عالمان معاصر و آشنا با مقتضیات زمان است.

تاسیس مرکز علمی، فرهنگی دارالتبلیغ اسلامی نیز نمونه دیگری از گام های اصلاحی در تربیت نسل جدید، طلاب علوم اسلامی زمان بود. و بالاخره ظهور شخصیت سیاسی و فقهی و علمی به مانند آیت الله خمینی، نمونه بارز دیگری از این گام های تأثیرگذار در تحول زمان، می باشد.

امام خمینی، با تاسیس حکومت جمهوری اسلامی، توانست فلسفه سیاسی اسلام را احیاء کند و چهره سیاسی خاورمیانه را تغییر دهد. با بازگشایی «جبهه مقاومت» استعمار را عقب براند و به جامعه سیاسی جهان اسلام، روح جدید حماسی بدمد.

امروزه در حوزه علمیه قم، شاید کمتر شخصیت علمی زنده و پویایی را می توان مشاهده کرد که از تأثیر فرهنگ تحول خواه این بزرگان بهره مند نشود. رحمة الله علیهم اجمعین

* * *

در هفته گذشته جامعه علمی حوزوی، با درگذشت یک عالم متواضع، مهذب، تربیت

وقتی جامعه عالم با فضیلتی را از دست می دهد!...

طالبوف تربیزی و درس های آیت الله مکارم «درس امر به معروف و نهی از منکر» آیت الله شریعتمداری، حضور داشت. این درس ها به عنوان «نظارت عمومی» به قلم حجت الاسلام والمسلمین آقا سید ابراهیم علوی، چاپ شده است تدریس هیئت فلاماریون را استاد آیت الله محمد محقق، نخستین نماینده مذهبی آیت الله بروجردی در آلمان بعد از مراجعت از آن کشور، تدریس می کرد.

چندین خاطره

۱. در نوروز سال ۴۲، مراجع تقلید نوروز را جشن نگرفتند (به عنوان اعتراض به هتاک های پهلوی دوم) در حیاط مدرسه فیضیه که مصادف با ایام وفات حضرت صادق (ع) بود، مجلس روضه از طرف آیت الله گلپایگانی (ره) برپا بود.

در آن مجلس مرحوم آقای آل طه نخست بر منبر رفت و با بیان گویا و شجاعت بی نظیر به انتقاد از رژیم پهلوی پرداخت، در فضای آن روز فیضیه، علاوه بر طلاب و فضلاء قم، کماندوهای سیاسی شخصی شاه هم حضور داشتند. وقتی مرحوم واعظ شهیر حاج مرتضی انصاری، منبرش تمام شد، لباس شخصی ها و کماندوهای شاه، با شعار صلوات به رضاشاه بر طلبه ها هجوم آوردند. من نیز در کنار مرحوم آیت الله حسینی مرندي (که جوان کم سن و سالی بودم) حضور داشتم. وقتی کماندوها حمله را آغاز کردند، من از پشت در مدرسه دارالشفاء، حیاط، فیضیه را ترک گفتم و به منزل آیت الله حاج سید حسین هشتروندی (ره) که از بنی اعمام پدرم بودند پناه بردم. اما در آنجا درنگ نکردم از کوچه آیت الله بروجردی و گذر جده به محله، باغ قلعه که منزل آیت الله خمینی در آنجا بود آمد، دیدم آیت الله خمینی با عصبانیت خاصی می خواهد که به مدرسه فیضیه برود و در دفاع از طلاب با درخیمان شاه به مواجهه بپردازد، اما شاگردان امام از جمله حجت الاسلام والمسلمین آقای شیخ حسن صاعی، مانع می شوند!

۲. آن روزها، در شب های پنجشنبه استاد آیت الله مکارم شیرازی درس «نبوت عامه» را تدریس می کرد (کتاب رهبران بزرگ و مسئولیت های بزرگ تر) من در کنار آیت الله حسینی مرندي در مسجد مدرسه حجتیه نشسته بودم. هنوز چندین سالی از عمرم نگذشته بود و بسیار جوان بودم. مطلبی را استاد مکارم عنوان کرد و به دنبال آن سؤالی در ذهن من شکل گرفت، اما جرأت نکردم که آن را از استاد بپرسم، آیت الله مرندي مرا تشجیع فرمود که من سؤال را از استاد بپرسم و شاید این نخستین گامی بود که اینجانب در درس ها «شجاعت پرسیدن» پیدا کردم.

۳. پیشنهاد اعزام به خارج در سال هایی که اینجانب همراه دوست دانشمند آقای رحمة الله عروجی از سوی دارالتبلیغ اسلامی (بورسیه شدم) و به خارج کشور رفتم، مرجع بزرگوار زمان به آیت الله حسینی نیز، چنین پیشنهادی را گفته بودند اما بنا به فرموده خود آن مرحوم، علامه طباطبائی در مشورت با ایشان چندان صلاح ندیده بودند که او به خارج برود و توصیه

ما با تکیه بر حافظه خود، فقط نام اساتید آیت الله حسینی مرندي را بازشماری می نمایم.

۱. آیت الله حاج میرزا علی اصغر فقیه باغیشه ای

۲. آیت الله حاج میرزا آغا باغیشه ای - حاج آقا احمد مدرس

۳. علامه طباطبائی - تفسیر و فلسفه -

۴. آیت الله محقق داماد ۵۰ سال -

۵. حضور در درس آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری

۶. امام خمینی (ره) آن دوره ای که در قم حضور داشت در سال های ۴۲-۴۳

۷. آیت الله شریعتمداری (ره)

۸. حضور در درس فلسفه شهید مطهری که مدرسه رضوی تدریس می کردند

سکونت در قم

مدرسه علمیه حجتیه که یادگار مرجع بزرگوار آیت الله سید محمد حجت کوه کمری است در آن دوره مرکز سکونت بیشترین فضلا و علما بود که بعدها در عرصه فقاقت و سیاست درخشیدند: آیت الله مهدوی کنی، آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله هاشمی رفسنجانی

مقام معظم رهبری همراه با اخوی خود آیت الله سید محمد خامنه ای

بسیار جالب توجه است که حجره جناب حسینی مرندي در طبقه پایین ساختمان

شماره ۲ مدرسه حجتیه قرار داشت و در طبقه بالا (دوم) آیت الله خامنه ای با برادرش هم حجره بودند و با آیت الله مرندي رفیق صمیمی

خوش استعدادی و خوش ذوقی

مرحوم آیت الله حسینی مرندي از استعداد شایسته ای بهره مند بود و همواره خوش استعدادی، توأم با خوش فکری که به نوعی از روشنفکری دینی، از نوع عالمان حوزه وی به شمار می آمد، از حوزه معارف اسلامی، بهره مند می شد.

آشنایی با زبان انگلیسی در حد بسیار بالا

آیت الله حسینی مرندي بسان دیگر فضلاء آن دوره، کاملاً با زبان انگلیسی آشنا بود و همه نوع متون انگلیسی را می خواند، حتی مکالمه می کرد. یادم هست، در آن دوران که من هم از ابتدای جوانی به آموختن زبان انگلیسی علاقه مند بودم، و آن را در دبیرستان دین و دانش شهید بهشتی آموخته بودم مرحوم حسینی مرندي نیز در آن کلاس ها شرکت می کرد. حتی ایشان با شیخ فاضلی از مردم خراسان به نام آقای رضائی، تفسیر انگلیسی آبربی را با هم دیگر بحث می کردند.

Commontry of the Goran

و یک جلد از ترجمه قرآن، محمد پتیکتال را از کتابخانه من به امانت گرفته بود که من آن را به ایشان اهدا کردم.

حضور در درس های دارالتبلیغ اسلامی

آیت الله حسینی مرندي به مانند غالب فضلا در درس های دارالتبلیغ اسلامی، شرکت می کرد. او به عنوان مستمع آزاد و جناب آقای حاج احمد غروی که پارسال به رحمت خدا پیوست، در کنار یکدیگر، در درس هیئت «کامیل فلاماریون» ترجمه عبدالرحیم

یافته و با فضیلت مواجه شد که بیشترین اصحاب علم و فضیلت را در سوگ و فقدان خود، غمگین و داغدار کرد. او جناب آیت الله حاج سید رضا حسینی مرندي (ره) بود که اینجانب نیز سال ها از محضر پرفیض او، بهره مند شده بودم.

آشنایی ابتدایی با آیت الله حسینی مرندي

دقیقاً در سال های ۳۶ و ۳۷ بود که پدرم مرا به تحصیل علوم اسلامی، در زادگاه خود «تبریز» تشویق کرد. پس از گذراندن مقداری از مقدمات علوم عربی، در مدرسه طالبیه تبریز، که مرکز تحصیلی و تربیتی طلاب آذربایجان، از سالیان دراز بوده است با سیدی بلند قامت متین و صبیح الوجه روبرو شدم که طلاب و فضلا بر محور وجودی اش حلقه زده بودند و از حوزه درس او استفاده می کردند. من نیز به مانند هم سالان و هم دوره های خود، در حوزه درسی این سید جلیل القدر مشارکت کردم و بهره ها بردم و به ویژه از متانت و اخلاق متواضعانه ایشان بسیار متأثر بودم.

در سال ۳۶ وقتی وارد مدرسه طالبیه می شدیم، در حجره شماره ۱۲ که کلاس درس آیت الله حاج میرزا علی اصغر فقیه باغیشه ای بود سید بزرگوار سکونت داشت که مشهور بود از سادات بافضیلت و کریم النفس شهرستان مرندي است.

او به سان دیگر اساتید حوزه تبریز، در ادبیات عرب و منطق، حوزه درسی قابل ملاحظه ای داشت و بیشتر فضلاء آن دوره طالبیه از محضرش استفاده می کردند. البته مدرس فصیح و خوش بیان دیگری نیز چون مرحوم حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ حمزه ابوترابی شهرت تدریس داشت و این دو (مرحوم آقای حسینی مرندي و آقای ابوترابی) با همدیگر رفیق، هم مباحثه و هم دوره بودند.

خاندان آیت الله حسینی مرندي

پدر مرحوم آیت الله حسینی مرندي، مرحوم آقای آقا سید جلال حسینی مرندي بود که از اوتاد آن زمان در شهرستان مرندي بود. این سید جلیل القدر آن مقدار در جامعه شهر و بازاریان مرندي اعتبار داشت و مورد اعتماد مردم بود که هر سند رسمی مرحوم آقا جلال، به مانند یک سند رسمی (محضری) تلقی می شد. و عموی این بزرگوار مرحوم آیت الله حاج سید خلیل آقا مرندي بود. که از علمای شجاع، مردمی، صریح الهجه زمان بود. و روش تربیتی مرحوم آیت الله حاج سید خلیل آقا در نفوس طلاب جوان و دیگر طبقات تأثیر به سزایی داشت. آیت الله حاج سید خلیل آقا پدر خانم آقای حسینی بود.

اساتید آیت الله حسینی مرندي

بنا به نقل و بیان آیت الله شیخ عباس کمالی (امام جمعه سابق شهرستان سراب) و همدرس و هم مباحثه مرحوم حسینی، استاد حسینی مرندي چه در تبریز و چه در حوزه علمیه قم، از محضر اساتید بزرگی، استفاده کرده و خوشه چین معارف شخصیت های بزرگی بوده است.

آقای سید مهدی و سید حسن، دامادهای ایشان جناب حجت الاسلام والمسلمین حاج آقا کریمیان، جناب آقای دکتر علی مقدس، استاد حجت الاسلام والمسلمین حامدی، به برادران: آقای حاج سید حمید حسینی، به برادرزادگان و به خانواده محترم ایشان به همسر و دختران آن مرحوم تسلیت می گویم. بویژه به همدرس محترمشان آیت الله شیخ عباس کمالی نیز تسلیت می گویم. رحمة الله علیه و رحمة واسعة
 سید محمد تقی - ۹۸/۳/۱۶

پی نوشت:

- ۱- علامه طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۴۲۱.
- ۲- دکتر محمد اسماعیل رضوانی، مشروطه، جوانان، ص ۵۶.

«الطریق الوسطی هی الجاده» درگذشت این عالم ربانی

در آخرین چهارشنبه ماه رمضان، آیت الله حسینی مرندی بعد از مدتی که از یک بیماری مری رنج می برد، بدرود حیات گفت، او ۸۴ سال عمر کرد، در تشییع جنازه این سید جلیل القدر اغلب علمای حوزه، مراجع حضور داشتند. نماز میت به وسیله مرجع عالیقدر حضرت آیت الله سبحانی برگزار شد و جنازه آیت الله حسینی، در گلزار شهدا، در کنار شهیدان حرم به خاک سپرده شد. عاش سید و مات سعید!

آیت الله حسینی مرندی، به حق یکی از علمای با تقوا و شخصیت های با فضیلت شهرستان مرند بود. به نظر بنده اگر مرحوم مرندی، به دستگاه قضایی (که تشخیص داده بود) نمی رفت یقیناً به عنوان یکی از علمای بزرگ، بلکه مرجع منطقه مطرح می گردید.

من این مصیبت را که به خانواده علمی مرحوم آیت الله حاج سید خلیل مرندی، به فضلالی مرند، حوزه علمیه، به همشهریان مرندی (تهران، مرند) به فرزندان محترم

اخیر فرزند برومندش جناب آقای سید مهدی که می خواست در خدمت پدر باشد، حیات را نوسازی کرد و به خدمت پدر پرداخت ۶. رعایت ادب و داوری منصفانه در ایامی که به جهت نظریات فقهی و سیاسی ایام انقلاب، برخی متهورانه و احیاناً با حالت بی تقوایی به بزرگان اسلام و مراجع تقلید جسارت می کردند و خود را معیار تمام عیار انقلاب و اسلام تصور می نمودند آیت الله حسینی همواره احترام شخصیت های اسلامی را در نظر داشت و حتی در مورد افراد نیز چنین بیان می کردند که «او چنین تشخیص داده است» و در راه خود خلوص دارد.

مرحوم حسینی مرندی، بر خلاف بسیاری که مردم آزاری و مانع تراشی و هتاک را به نوعی «انقلابی گری تقلبی می کردند» تلاش داشت که گره کارهای مردم را بگشاید و به مردم خدمت کند. بارها شنیدم در مورد افراد هتاک و بی تقوا، می گفت: آنها اشتباه می کنند و بزرگان اسلام در همه حال بزرگ اند. افراط و تفریط دوراه انحرافی در مسیر راه آدمی است

کرده بود که در حوزه بماند و مراتب معارف اسلامی خود را تکمیل کند!

۴. بعد از انقلاب
 آیت الله حاج سید رضا مرندی، بعد از انقلاب چنین تشخیص داده بود که در دستگاه قضایی کشور از طرف شهید بهشتی و امام به حضور طلاب عالم و فاضل تاکید می شد، حضور یابد آنچه که به طور مسموع از آن اطلاع دارم او عضو شورای عالی قضایی بود و از قضات با تقوا و عالم و با فضیلت در پیش مسئولان دستگاه قضایی محسوب می شد.

۵. نماد فضیلت و تقوا
 مرحوم آیت الله حسینی مرندی به حق یکی از عالمان با فضیلت حوزه بود، او هرگز دیده نشد که در طول عمر پشت کسی حرف بزند و به اصطلاح غیبت کسی را بگوید و یا گوش دهد. آیت الله حسینی در زندگی مردی قانع بود، تا سال ها که در دستگاه قضایی حضور داشت حیات ایشان در کوچه ۹ نیروگاه (میدان توحید) هنوز هم آجری بوده و از تزئینات زمان بی بهره بود. البته در این چندین سال

دین گریزی در هیاهوی بازار سیاست

را به آن فرامی خوانیم، افزایش بار علمی و معنوی خود، تأثیرگذاری روی باورهای مردم، تواضع و فروتنی، توجه به نیاز مخاطب و نوع بیان مسائل، بیان مطالب متقن، سخن گفتن با زبان لین و به صورت کریمانه و رفتار محبت آمیز با مردم از جمله آن الزامات است».

پی نوشت ها:

- ۱- ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۸، قم: <https://www.shafaqna.com/news/743778>
- ۲- جامع الصغیر، ج ۱، ص ۹۵: آفة الدین ثلاثه: فقیه فاجر، امام جائر، مجتهد جاهل: سه چیز آفت دین است: ۱- دانشمند بدعمل، فاسق و فاجر ۲- زعیم و پیشوای ستمکار ۳- مقدس نادان
- ۳- مطهری، مرتضی: اسلام و مقتضیات زمان، ج ۱، صص ۸۰-۷۹-۴- همان، ص ۱۲۲
- ۵- مطهری، مرتضی: ده گفتار، ص ۱۰۸
- ۶- نهج البلاغه: خطبه ۱۳۶: امام علی(ع) در خصوص ظهور حضرت قائم (عج) می گوید: (او می آید) و زنده می کند قرآن و سنت مرده را.
- ۷- دانشمند زمان شناس و مصلح بزرگ مصری که شدیداً تحت تأثیر سید جمال اسدآبادی قرار داشت. وی در میان اهل سنت، از معدود کسانی بود که در زمان خود علیه تحجر و جمود شدید حاکم بر زمان خویش به پا خاست.
- ۸- خمینی، سیدروح الله، صحیفه امام، ج ۲۱، صص ۲۷۳-۲۹۳ (پیامی که در سوم اسفندماه ۱۳۶۷ خطاب به روحانیون، مراجع تقلید، مدرسین و طلاب حوزه های علمیه و ائمه محترم جمعه و جماعات سراسر کشور صادر شده است).
- ۹- همان- ص ۲۷۸
- ۱۰- همان/ ۱۱- مطهری، مرتضی: نهضت های اسلامی در صدساله اخیر، ص ۹۱
- ۱۲- ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۸، قم: <https://www.shafaqna.com/news/743778>

منبع: روزنامه شرق

می گوید: «امروز عده ای با ژست تقدس مآبی چنان تیشه به ریشه دین و انقلاب و نظام می زنند که گویی وظیفه ای غیر از این ندارند. خطر تحجرگرایان و مقدس نمایان احمق در حوزه های علمیه کم نیست. طلاب عزیز لحظه ای از فکر این مارهای خوش خط و خال کوتاهی نکنند، اینها مرجع اسلام آمریکایی اند و دشمن رسول الله... آن قدر که اسلام از این مقدسین روحانی نما ضربه خورده است، از هیچ فشر دیگر نخورده است... طلاب جوان باید بدانند که پرونده تفکر این گروه همچنان باز است و شیوه مقدس مآبی و دین فروشی عوض شده است. شکست خوردگان دیروز، سیاست بازان امروز شده اند» ۱۰. آن نگرانی و دغدغه های امام، پس از ۳۰ سال از صدور این پیام و در آغاز دهه پنجم از حیات جمهوری اسلامی، همچنان جاری و پیش روی دلسوزان کشور، نظام و انقلاب است. جماعتی در گذشته مانده اند و معیارشان سلیقه عوامی است که به حال و آینده کاری ندارند، به مسائل و مشکلات روز توجهی ندارند و شهید مطهری آنان را در صف مردگان به شمار می آورد. ۱۱. افراد مورد اشاره شهید مطهری، مقدس نمایان واپس گرا و متحجران نا آگاهی هستند که با آلوده کردن دین در بازار سیاست و بهره گیری از کسوت های مذهبی برای دستیابی به مطاع خود در این بازار مکاره، روزه روز بر دین گریزی ها دامن زده اند. برخی دیگر نیز با سوءاستفاده از برخی تربیون ها، با بی اخلاقی و بد اخلاقی یا با تفاسیر تنگ نظرانه و سلیقه ای از قرآن و سنت، اسلام ستیزی در دنیای امروز را رونق جدیدی بخشیده اند. در این میان، «تنازعات بین علما» و «نیاز جامعه به اخلاق» معضلات دیگری است که وزیر اطلاعات در سخنرانی خود ضمن اشاره به آنها، به عنوان راهکاری پیشنهادی برای رفع این معضلات و الزامات تأثیرگذاری بیشتر روحانیون و مبلغان بر جامعه می گوید: «پیشقدم شدن در خودسازی، بهره گرفتن از زبان مهربانانه، عامل به ارزش هایی که مردم

«دین نیز در آن جامعه مرده است». ۵. از دیدگاه شهید مطهری، تحجر و تحریف از مهم ترین عوامل انحطاط مسلمانان است. او در بررسی علل و عوامل آن، به تنزل جامعه اسلامی از پیشگامی در تولید علم و جایگاه علمی مولد و سرآمد (با دانشمندانی مانند ابن سینا، فارابی، غیث الدین جمشید، ابوریحان، ابن هیثم، گرایی رازی، خوارزمی و... به جایگاهی غیرمولد و مصرف کننده اشاره می کند و آن را نشانه ای از بروز آفتی در جامعه اسلامی می داند. فاصله گرفتن مردم از آیین و شریعت، معلول تحجر و سطحی نگری و عاملی بر زوال و ایستایی در جوامع بشری است؛ موضوعی که تنها به مرگ جامعه و دین منحصر نمی شود و قرآن و سنت را نیز از بین می برد. ۶. استاد شهید مرتضی مطهری و شیخ محمد عبده ۷ به عنوان دو مصلح و متفکر مطرح شیعه و سنی، جمود و تعطیلی عقل و اجتهاد را از عوامل انحطاط مسلمانان دانسته اند؛ عواملی که می توان ردپا و مصادیق آن در عصر حاضر را در پیام منشور روحانیت امام خمینی (ره) ۸ جست و جو کرد. با دقت در کلمات و واژه های به کار رفته در این پیام، پی می بریم که صریح ترین و حتی تندترین سخنان بنیان گذار جمهوری اسلامی، فرازهایی از منشور روحانیت است: «تحجرگرایان و مقدس نمایان احمق، مارهای خوش خط و خال، مقدس مآبی و دین فروشی، مقدسین روحانی نما، مقدس نماهای متحجر و بی شعور، مقدس نمای واپس گرا، مقدسین نافهم و ساده لوحان بی سواد، روحانی مقدس نمای نا آگاه یا بازی خورده و... و این نشان از اهمیت ماجرای است که امام خمینی در آخرین پیام عمومی دوران حیات خود، نگرانی و دغدغه های خود برای فردای ایران و آینده انقلاب اسلامی را به این صراحت و قاطعیت اعلام می کنند. او در این پیام ضمن اعلام اینکه «خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است هرگز از فشارها و سختی های دیگران نخورده است» ۹

صادق صدقگو - دکترای مدیریت رسانه سید محمود علوی، وزیر محترم اطلاعات، مدتی پیش در گردهمایی مبلغان اعزامی در ماه رمضان گفته بود: «فردای گرایش به مسیحیت پیدا می کنند که جزء افراد عادی جامعه هستند؛ مثلاً کارشان ساندویچ فروشی و امثال اینها بود و خانوادگی مسیحی می شدند، ناچار شدیم اینها را احضار کنیم و دلیل گرایش به مسیحیت را از آنها جویا شویم. برخی از این افراد عنوان می کردند که ما به دنبال دینی هستیم که به ما آرامش بدهد و بین ما صفا و صمیمیت و برادری ایجاد کند. به آنها گفتیم اسلام دین برادری و صفاست. گفتند ما می بینیم علمای اسلام و کسانی که پشت تربیون صحبت می کنند به طور مداوم علیه یکدیگر سخن می گویند، اگر اسلام دین صمیمیت باشد، باید قبل از هر چیز بین علمای خود صفا و صمیمیت ایجاد کند» ۱.

واکاو و تحلیل جامعه شناسختی این موضوع در تخصص کارشناسان حوزه مباحث ائینی یا جامعه شناسی است، اما نبی مکرم اسلام (ص)، مقدس نادان را یکی از سه آفت دین می داند ۲ و شهید استاد مطهری نیز به عنوان یکی از متفکران اسلامی و تئوریسین های شاخص انقلاب اسلامی، نه تنها خطر جمود را کمتر از خطر جهالت نمی داند ۳ که از این منظر نه صرفاً عبدالرحمن بن ملجم که «جمود و خشک مغزی و خشک مقدسی» را عامل شهادت امام علی(ع) می داند ۴؛ خطر ابتلای نظام های سیاسی، جنبش های مردمی و نهضت های اسلامی به نوعی تحجر و جمود فکری، موضوع مهمی است که استمرار آن می تواند منجر به آفت هایی مانند عوام زدگی، سطحی نگری دینی و واپس گرایی نظری شود. در این جوامع، به مرور زمان شریعت و مذهب مغفول مانده یا به گونه ای ناقص و تحریف شده جریان می یابد. چنین آیینی، جامعه پویا و متعالی را تبدیل به جامعه ای ایستا و مرده می کند و حتی به قول شهید مطهری، گزاف نخواهد بود اگر گفته شود:

تراژدی مرگ محمد مرسی

سید هادی خسروشاهی

زندانیان به این شکل خود را نشان داد و درگذشت.

البته اخوان از بین نمی رود. ژنرال عبدالناصر، ژنرال سادات، ژنرال مبارک و حالا ژنرال سیسی همگی همین روش را علیه منتقدان حکومت خودکامه به ویژه اخوان در مصر به کار گرفته اند، اما موفق به سرکوب کامل نشده اند. بعد از کودتای سیسی هم مردم معترض در مسجد «رابعه العدویه» و میدان «تحریر» کشته شدند و از رهبران اخوان ۵۰ نفر اعدام شدند که نتیجه آن ترس مردم از حکومت سیسی شد. اخوان با کم تجربه‌گی و نداشتن تجربه کار اجرایی، از پس ارتجاع عرب برنیامد؛ چون آنان می دانستند اگر اخوان پیروز شود، فردا نوبت کشورهای خودشان خواهد بود، پس باید انقلاب مصر از ریشه زده می شد. همان تلاشی که دشمنان برای برخورد با ایران از زمان پیروزی انقلاب داشتند، البته اخوان می توانست با استفاده از موفقیت های انقلاب ایران، مصر را از دست نظامیان خارج کرده و به توسعه برساند...

خداوند او را رحمت کند و زندانیان سیاسی در بند مصر را آزاد کند. خوانندگان می توانند برای اطلاعات بیشتر، دو کتاب نگارنده یعنی «انقلاب در مصر» و «کودتا در مصر» را مطالعه کنند.

منبع: روزنامه شرق، شماره ۳۴۵۴، چهارشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۹۸

نیروهای مقاومت منطقه حرکت کند؛ اما این اتفاق رخ نداد. شاید تصور آنان این بود که با ارائه تصویری میانه رو از خود می توانند اعتماد کشورهای عرب و ایالات متحده و... را به دست آورند. ولی باز چنین نشد و البته بنی سعود و امارات پس از کودتای ژنرال سیسی ۵ میلیارد دلار به او کمک کردند... مرسی در اجلاس سران کشورهای اسلامی در ایران هم حاضر شد و در آن جلسه برخلاف پروتکل مرسوم در اجلاسی بین المللی، سخن خود را به گونه ای آغاز کرد که تأکید بر اختلافات اهل تسنن و تشیع کند که نوعی عوام زدگی و برای مصرف داخلی در مصر و کشورهای عربی بود.

او با سه اتهام به زندان رفت و ابتدا به ۲۰ سال حبس و سپس به اعدام محکوم شد. جاسوسی برای قطر، سومین اتهام دادگاه او بود که دادگاه اخیر نیز برای ادامه همان اتهام، دنبال شد که در آن دچار حمله قلبی شد. اصولاً به نظر می رسد او ظرفیت لازم برای ریاست جمهوری را نداشت و شاید اگر روی شخصیتی بین المللی مانند دکتر ابوالفتوح اجماع داخلی می شد، وضعیت مصر به شکل امروز در نمی آمد.

تراژدی مرگ محمد مرسی

متأسفانه در مدت زندان، به مرسی و سایر فعالان سیاسی زندانی رژیم سیسی، رسیدگی درستی صورت نگرفته و لطامات

عدالت را تشکیل دادند تا در انتخابات نامزد معرفی کنند. با آنکه دکتر ابوالفتوح لیاقت و ظرفیت نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری را داشت، اما به دلیل همان پیشنهاد فعالیت سیاسی، از اخوان اخراج شده بود. البته خود او تشکیلات سیاسی با عنوان «مصر مقتدر» به راه انداخت.

به هر تقدیر نامزد اولیه حزب عدالت و آزادی خیر شاطر از میلیاردرها و حامیان مالی اخوان المسلمین بود که صلاحیت او به دلیل سابقه امنیتی و زندان، رد شد و او نتوانست کاندیدا شود و قرعه فال به نام محمد مرسی افتاد، اگر چه کارگردان اصلی محمد بدیع بود. مرسی با اکثریت ۵۲ درصدی به ریاست جمهوری رسید؛ اما هیچ یک از کادرهای اصلی رژیم مبارک را عوض نکرد. این اشتباه اصلی و اول مرسی بود. همین ژنرال سیسی که علیه دولت قانونی برخاسته از انقلاب مردم کودتا کرد، مقابل او قسم خورد که به مرسی وفادار خواهد بود و فرمانده نیروهای مسلح شد. دومین اشتباه او، رفتن به ریاض بود؛ به خیال اینکه بنی سعود به او کمک مالی خواهند کرد و یک دلار هم کمک نکردند. اقتصاد مصر ورشکسته بود و در زمان مبارک نیز او از حمایت مالی ارتجاع عرب برخوردار بود. فرستادن سفیر به اسرائیل اشتباه دیگر او بود. انتظار می رفت اخوان با شناختی که از فضای اعراب و منطقه داشت، همسو با

خبر درگذشت محمد مرسی، رئیس جمهور مصر بعد از انقلاب علیه رژیم مبارک، بررسی دلایل رسیدن حرکت انقلابیون مصر به نقطه امروز را اجتناب ناپذیر می کند. محمد مرسی از اعضای قدیمی اخوان المسلمین بود و از جوانی وارد این تشکیلات شد. بعد کم کم به «مکتب ارشاد» یا کمیته مرکزی اخوان راه یافت. او به علت فعالیت های خود در دوران حسنی مبارک در زندان بود و در آغاز قیام مردمی مصر هم همچنان در بند بود. مرسی برای فرار زندانیان سیاسی طرح ریزی می کند که به موفقیت ختم شده و همه زندانیان از جمله خود او فرار می کنند که این امر بعدها یکی از اتهامات او شد.

بعد از پیروزی انقلاب قرار بود اخوان المسلمین در انتخابات ریاست جمهوری مشارکت نکند. دوست قدیمی نگارنده دکتر عبدالمنعم ابوالفتوح که سال های زیادی رئیس اتحادیه یا سندیکای پزشکان قاهره بود و مورد احترام طبقات مختلف و البته عضو «مکتب ارشاد»، پیشنهاد داد اخوان در انتخابات شرکت کند ولی محمد بدیع، مرشد اخوان، مخالف این امر بود و تأکید داشت چون در اساسنامه این جمعیت، فعالیت آن خیریه و انسانی ذکر شده، حق دخالت در سیاست را ندارد. و برای رهایی این بن بست، اخوانی ها حزب آزادی و

اخوان المسلمین رژیم سیسی را به قتل

عمد مرسی متهم کرد

به گزارش سایت شبکه روسیا الیوم، اخوان المسلمین مصر با صدور بیانیه ای اعلام کرد: چند بازنگری داخلی انجام دادیم و در جریان این بازنگری ها بر اشتباهاتمان در دوره انقلاب و دوره حکومت و اشتباهات هم پیمانان و رقباء در انقلاب تمرکز کردیم.

در این بیانیه آمده است: اخوان المسلمین در حال حاضر نسبت به تمایز میان فعالیت سیاسی عمومی و رقابت حزبی تنگاتنگ بر سر قدرت آگاه است و ما نیز معتقدیم که فضای فعالیت سیاسی عمومی در مسائل ملی و حقوق عمومی از آن ملت مصر است و ارزش های ملی و مسائل کلی امت نسبت به تلاش حزبی و رقابت بر سر قدرت یک عرصه وسیع تر برای اخوان المسلمین است.

اخوان المسلمین مصر در بیانیه خود آورده است: بر حمایت خود از تمامی گروه های ملی همسو با چشم انداز ما در نهضت این میهن تأکید می کنیم و به اعضای اخوان المسلمین اجازه می دهیم تا به واسطه این گروه ها و احزاب وارد عرصه فعالیت سیاسی شوند.

اخوان المسلمین در ادامه تأکید کرده است: مرگ محمد مرسی، رئیس جمهور پیشین مصر واقعیتی جدیدی را بر شکل و ماهیت منازعه میان دو بخش انقلاب و کودتای نظامی تحمیل کرد و با وجود این واقعیت جدید باید بار دیگر دستور کار انقلاب در مصر را به سمت اندیشه و جنبش متمایل کرد.

اخوان المسلمین در ادامه مقامات مصر را به قتل عمد مرسی با بی توجهی به اوضاع جسمانی او متهم و اعلام کرد: از تمامی تلاش ها برای انجام تحقیق بین المللی در این زمینه حمایت خواهیم کرد.

این جنبش همچنین تأکید کرد: آنچه از سوم ژوئن ۲۰۱۳ (۱۳ خرداد ۱۳۹۲) تاکنون در مصر رخ داده یک کودتای نظامی بوده که منجر به یک حکومت نظامی خونین شده است. ما این حکومت را به رسمیت نمی شناسیم و از نظر سیاسی نیز با آن همکاری نخواهیم کرد و تنها راه خروج از بحران کشور را پایان حکومت نظامی می دانیم.

فلسطین نه فروختنی است نه قابل معامله

دشمنان در منطقه بر اساس قاعده ادغام این رژیم غاصب در منطقه است.

وی تصریح کرد که ملت فلسطین که توانسته هر طرح و توطئه ای را به شکست بکشاند، معامله قرن را هم همان گونه به شکست خواهد کشاند. هنیه خاطر نشان کرد که برگزاری این کنفرانس با سالروز عملیات دلاورانه مقاومت فلسطین یعنی «اوهام بر باد رفته» که به اسارت سرباز اسرائیلی در غزه منجر شد، همزمان شده است.

وی خطاب به شرکت کنندگان در کنفرانس بحرین گفت: کنفرانس شما همچون اوهامی است که در برابر صخره ثبات و پایداری ملت فلسطین و عزم و اراده آنان نابود شده و بر باد خواهد رفت.

هنیه خواستار اتخاذ یک استراتژی ملی بر اساس پاره ای اولویت ها از جمله پایبندی بر اصول ملی فلسطین و در رأس آن قدس، حق بازگشت و تشکیل کشور مستقل فلسطین به پایتختی قدس شریف شد.

هنیه همچنین بر ضرورت تشکیل دولت وحدت ملی به منظور اداره امور غزه، قدس و کرانه باختری و زمینه سازی برای انتخابات ریاست تشکیلات خودگردان، مجلس قانونگذاری و شورای ملی فلسطین طبق توافقنامه ۲۰۱۷ قاهره و بیروت تأکید کرد.

هنیه در پیامی به اسرای فلسطینی در زندان های رژیم صهیونیستی نیز گفت: مقاومت با شما پیمان می بندد که به هر قیمتی که باشد، شما را از زندان های رژیم صهیونیستی آزاد کند.

به گزارش مرکز اطلاع رسانی فلسطین، اسماعیل هنیه در کنفرانس ملی فلسطینی مقابله با کنفرانس اقتصادی بحرین در شهر غزه تصریح کرد: ما امروز در شرایطی حساس و تاریخی در سرزمین فلسطین قرار داریم و قاطعانه همراه با تمامی فلسطینیان در هر کجای این جهان می گوئیم که فلسطین نه فروختنی است نه قابل معامله.

هنیه تأکید کرد که ملت فلسطین امروز یکپارچه در جبهه ای واحد علیه معامله قرن ایستاده است. وی همچنین افزود که ملت فلسطین امروز یکپارچه در چارچوب انتفاضه ای جدید و انقلابی سیاسی علیه کنفرانس بحرین ایستاده است.

رهبر حماس اشاره کرد که ملت فلسطین هرگز هیچ کس را در هر جایگاهی که باشد، مأمور چشم پوشی از حقوق و سرزمینش نکرده است و این سرزمین و قدس شریف متعلق به ملت فلسطین است و خداوند نیز همراه این ملت خواهد بود.

هنیه خاطر نشان کرد که کنفرانس بحرین گامی سیاسی در پوششی اقتصادی است و آمریکا که تمامی سیاست هایش نتیجه ای جز شکست نداشته است، در این زمینه نیز راه به جایی نخواهد برد. معامله ترامپ و کارگاه اقتصادی اش مرده به دنیا آمده است.

هنیه تأکید کرد که هدف از معامله قرن و کنفرانس بحرین زمینه سازی برای نابودی مسأله فلسطین و نشان دادن چرخ سبز به رژیم اشغالگر صهیونیستی برای تثبیت اشغالگری خود در کرانه باختری و هموار کردن راه عادی سازی روابط کشورهای عربی با این رژیم و ارائه تعریفی تازه از

دینی استقرار پیدا کند. لذا علمای اسلام و متفکران ایرانی باید در نهادینه شدن کرامت انسانی، رعایت حقوق شهروندی و حرمت اهانت به مقدسات مذاهب و ادیان در جامعه تلاش کنند.

البته تا رسیدن به آن آرمان و نهادینه شدن آن فرهنگ، قوانین اجرایی می‌بایست به گونه‌ای باشد که همه هموطنان به درستی بدانند که نظام با هتاکان، حرمت‌شکنان و تفرقه‌افکنان برخورد قاطع خواهد داشت زیرا سیاست کلان جمهوری اسلامی ایران بر مبنای همدلی و انسجام ملی است و بر این اساس نظام این قبیل رفتارها را بر نمی‌تابد و آن را مخالف مصالح و امنیت کشور می‌داند. بدین جهت، درخواست مؤکد همه دلسوزان نظام و ایران عزیز آن است که مجلس شورای اسلامی در اقدام فوری، قانون مجازات هتک حرمت و توهین به مقدسات ادیان و مذاهب را به تصویب برساند تا در آینده شاهد این گونه رفتارهای ناپسند در جامعه نباشیم.

اهانت به مقدسات اهل سنت مخالف مصالح و امنیت ملی است

دشمنان جهان اسلام است، یک واقعیت تلخ تاریخی غیر قابل انکار است. تشکیل گروه‌های خشونت‌طلب از شیعه انگلیسی تا سنی آمریکایی، در قالب عناوین گوناگون همچون داعش و طالبان و تقویت گروه‌های تکفیری، شیعه‌ستیز و سنی‌ستیز و راه‌اندازی موضوعات اختلافی در میان مسلمانان از سیاست‌های قدیمی استکبار جهانی از جمله آمریکا، انگلیس و اسرائیل بوده است.

همه ملت‌ها و کشورهای جهان از آنچه در کشورهای منطقه همچون افغانستان، سوریه، یمن و آنچه اخیراً از تحریکات خطرناک اسرائیل و عربستان در حوزه خلیج فارس رخ می‌دهد، به شدت نگران هستند زیرا همه این اتفاقات صلح جهانی، امنیت منطقه و آرامش کشورهای اسلامی را هدف قرار داده‌اند! پرسش مهم و اساسی در این باره آن است که چگونه با وجود این مشکلات منطقه‌ای و با وجود سیاست وحدت‌گرایی امام خمینی (ره) و عملکرد انسجام‌بخش مقام معظم رهبری



علی یونسی - نماینده ویژه رئیس جمهوری در امور اقوام و اقلیت‌ها

اتفاق ناگوار و ناپسندی که در روزهای اخیر انسجام و وحدت ملی ما را نشانه رفت، هتاکای یک مداح در پخش زنده شبکه پنج سیما بود! این واقعه، موجب جریحه‌دار شدن احساسات مذهبی برادران اهل سنت ایران شد. البته از این دست موارد، متأسفانه هر از گاهی رخ می‌دهد و ما نیز بارها تذکر داده‌ایم اما این بار صدا و سیما و قوه قضائیه جمهوری اسلامی، برخورد قاطع و مناسبی داشته‌اند که لازم است سپاسگزار این قبیل اقدامات باشیم.

متأسفانه این دست توهین‌ها و بی‌حرمتی‌ها از گذشته دور نیز در کشورهای اسلامی وجود داشته است. این گونه رفتار ناپسند، گرچه ریشه در جهل، انحراف و تعصب دارد اما این نکته که تحریک مذاهب علیه یکدیگر، برجسته‌سازی اختلافات مذهبی و تقویت واگرایی مسلمانان، بخش مهمی از سیاست‌های

اخراج مدیران شبکه ۵ و احضار مداح هتاک

است، اکنون این مداح به مراجع قضایی احضار شده است. احد قدمی مداحی که در شب تولد امام حسن مجتبی (ع) به اهل سنت توهین کرد به دادسرای فرهنگ و رسانه احضار و بازداشت شد. رسانه‌ها گزارش دادند که این مداح به دادسرای فرهنگ و رسانه احضار و با قرار وثیقه، آزاد شده است. اما این اتفاق بار دیگر فرصتی را فراهم کرد تا منادیان وحدت شیعه و اهل سنت در کشور، از تندروری‌ها بویژه در شرایط فعلی، انتقاد کنند. از جمله آیت‌الله سیدکاظم نورمفیدی که گفت: «مقام معظم رهبری دائماً تأکید دارند که توهین به مقدسات اهل سنت حرام و گناه است. این افرادی که نه قرآن را می‌فهمند نه سیره اهل بیت (ع) را نه فرمایشات مقام معظم رهبری و نه مصالح امت اسلامی را درک می‌کنند، چطور می‌توانند مداح اهل بیت (ع) باشند؟ اهل بیت (ع) به هیچ وجه راضی نمی‌شوند کسی بیاید جهان اسلام را به هم بریزد. کسی که نمی‌فهمد این حرفی که می‌خواهد بزند چه مشکلاتی را برای نظام جمهوری اسلامی و جهان اسلام به وجود می‌آورد، صلاحیت ندارد که مداح اهل بیت باشد.»

همه اینها درحالی است که در سلسله ضیافت‌های افطاری رئیس جمهوری، دیدار با علما و بزرگان اهل سنت، دست‌کم یک هفته زودتر از دیدار با علمای حوزه برگزار شد که در آن روحانی تأکید کرد: «انقلاب اسلامی ایران مربوط به مذهب خاصی نیست و همه مردم ایران و همه مذاهب در صحنه انقلاب حضور و مشارکت فعال و گسترده داشتند و همه اینها صاحب کشور و انقلاب هستند.»

سازمان، مدیر شبکه و مدیر پخش این شبکه برکنار شدند. مدیر شبکه پنج پیش از این اتفاق، جواد رمضان‌نژاد بود که بنایه گزارش‌ها، کمتر از یک سال پیش از مدیریت شبکه «افق» یعنی شبکه‌ای که به اتخاذ مواضع تندروانه مشهور است، به مدیریت شبکه پنج سیما رسیده بود.

میرباقری، معاون سیما اما به این بسنده نکرد و تهیه‌کننده، مدیر برنامه و ناظر پخش این برنامه نیز اخراج شدند. هرچند این این مقام صدا و سیما مدعی شد که «پخش زنده سخنان نامربوط مداح حاضر در هیأتی که مراسم آن از شبکه پنج سیما پخش می‌شده خارج از اراده مدیران شبکه بوده است» اما حسام الدین آشنا، نماینده دولت در شورای نظارت بر صدا و سیما پرسش‌هایی را در همین رابطه مطرح کرد که می‌تواند به روشن شدن ابعاد این اتفاق و اتفاق‌های مشابه کمک کند. او در «توییتر» نوشت: «دو سؤال: پخش زنده یک مداحی در یک هیأت، تابع کدام ضرورت خبری، فرهنگی یا رسانه‌ای است؟ انتخاب مداح، هیأت و زمان پخش زنده بر اساس چه معیارهایی انجام می‌شود؟»

توجه به این پرسش‌ها از این رو ضروری است که می‌تواند پیچیدگی‌های ارتباطات و روابط نهفته در بخش‌های مختلف صدا و سیما را روشن کند. به عنوان مثال، در همین رابطه، مدیر سابق شبکه پنج از شبکه افق آمده بود، برخی گزارش‌ها حاکی است که مداح جنجال‌ساز نیز داماد خواهر رئیس دولت‌های نهم و دهم بوده است. اما فارغ از اینکه ارتباطات تندروانه و مبتنی بر افراط و تفریط چگونه در رسانه ملی شکل گرفته

به قومیت‌ها و مذاهب فرموده‌اید، که اگر هر کسی دانسته یا ندانسته به مقدسات اهل سنت و تشیع توهین نماید، مزدور دشمن است» آمده است: «متأسفانه اخیراً در مراسم جشن میلاد امام حسن مجتبی (ع) که به طور زنده از شبکه پنج سیما پخش شده بود، سخنان وحدت‌شکن و هتاک‌آمیز آشکار به مقدسات و باورهای دینی اهل سنت صورت گرفته که با منویات و رهنمودهای مدبرانه حضرت عالی در تضاد است و این مهم باعث نگرانی شدید اهل سنت کشور شده است. نظر به ضرورت حفظ وحدت در کشور و خصوصاً جلوگیری از بروز اختلافات درونی و مذهبی و فرصت‌طلبی دشمنان نظام از حضرتعالی خواستاریم دستور فرمایید در این خصوص تذکرات و تدابیر و برخورد لازم مبذول و به نحو مقتضی اطلاع‌رسانی شود.»

حشمت الله فلاحت‌پیشه، رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی نیز با انتشار متنی در «توییتر»، از جامعه اهل سنت کشور پوزش خواست. اما چندی بعد از این اتفاق، شبکه پنج سیما در اطلاعیه‌ای با محکوم کردن گفتار در تضاد وحدت یک مداح، از برادران و خواهران اهل سنت عذرخواهی و تأکید کرد که حتماً برخورد قاطع با تمام افرادی که در این اتفاق نقش داشته‌اند، صورت می‌گیرد. اما این برخورد، نه از سوی این شبکه، بلکه نسبت به مدیران این شبکه اعمال شد. چرا که تنها یک روز پس از این ماجرا، روابط عمومی معاونت سیما در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که به دنبال دستور عبدالعلی علی‌عسکری، رئیس سازمان صدا و سیما به مرتضی میرباقری، معاون سیمای این

به دنبال پخش مستقیم مولودی خوانی یک مداح از شبکه پنج سیما که در آن به صحابی پیغمبر (ص) و بزرگان اهل سنت توهین شد، مدیر و مسئول پخش این شبکه اخراج و این مداح نیز به مراجع قضایی احضار شد.

پخش این توهین، آن هم از یکی از اصلی‌ترین شبکه‌های صدا و سیما که به صورت مستقیم هم صورت گرفت، انتقادهای بسیاری را در میان سیاسیون، شخصیت‌های مذهبی و شبکه‌های اجتماعی به دنبال داشت. در عین حال، این یکی از معدود دفعاتی است که صدا و سیما اشتباه و قصور خود را پذیرفته و نقدها و انتقادهای بیرون از سازمان را می‌پذیرد و در عین حال قوه قضائیه در کوتاه‌ترین زمان نسبت به آن واکنش نشان می‌دهد. این واکنش‌ها حکایت از سیاست و حساسیت نظام نسبت به هر گونه اعمال تفرقه‌افکنانه و برهم زدن وحدت دینی در کشور است.

ماجرای آنجا آغاز شد که در شب میلاد حضرت امام حسن (ع) شبکه پنج سیما، مولودی خوانی «احد قدمی» که در «هیأت عشاق الحسین (ع)» تهران برگزار می‌شد را به صورت زنده و مستقیم پخش کرد. در انتهای این مولودی خوانی، مداح کلمات دور از ادب و نسبت‌های ناروایی را برای صحابه و همسر پیغمبر (ص) بر زبان آورد. نخستین واکنش نسبت به این واقعه، از سوی فراکسیون اهل سنت مجلس شورای اسلامی نشان داده شد که در نامه‌ای به مقام معظم رهبری خواستار ورود به این موضوع شدند. در این نامه با اشاره به اینکه «ضمن تشکر از حضرت عالی که بارها تأکید به احترام

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی
دو هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی
سرمدیر: سید محمود خسروشاهی
نشانی: قم / خیابان شهدا (مفانیه) / نبش ممتاز
تلفکس: ۰۱۴۳۳۰۳۷۷۴ صندوق پستی: ۱۳۶

سایت‌های مرکز
مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir
استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org
پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

شماره‌های نشریه بعثت
از سال ۱۳۸۷ به بعد، در سایت مرکز
بررسی‌های اسلامی به نشانی:
www.iscq.ir
در دسترس می‌باشد

بعد از تذکر مقام رهبری درباره يك موضوع مربوط به آنها، بخش نامه صادر می‌کنند که باید چنین و چنان شود و در نتیجه بوی تملق و چاپلوسی به مشام‌ها می‌رسد، بلکه روش درست این است که مدیر مربوط اقدامات عملی عاجل برای رفع آن کاستی انجام دهد و پس از چند ماه اعلام کند که ما آن کاستی مورد تذکر مقام رهبری را رفع کردیم».

ترانه‌های قبل از انقلاب بهتر از برخی ترانه‌هایی است که امروز از صدای جمهوری اسلامی پخش می‌شود؛ اما ریشه هر دو پدیده یعنی استفاده از کلمات لاتین در برنامه‌ها و نیز مضامین سخیف در برخی سرودها و ترانه‌ها، خودباختگی فرهنگی و احساس خودکم بینی نسبت به فرهنگ غربی است. برخی افراد با به کار بردن الفاظ انگلیسی در کلام خود احساس شخصیت می‌کنند، همان طور که برخی صاحبان فروشگاه‌ها و مدیران شرکت‌ها از اینکه نام فرنگی روی فروشگاه یا شرکت خود بگذارند و حتی از کلمه OFF به جای «تخفیف» یا از کلمه SALE به جای «فروش ویژه» یا «حراج» استفاده کنند، احساس شخصیت می‌کنند و حتی معتقدند به این وسیله فروش ما بالا می‌رود، یعنی ضمناً مردم را هم به این خودباختگی متهم می‌کنند و البته خیالشان از واکنش وزارت ارشاد هم کاملاً آسوده است!».

نایب رئیس مجلس یادداشت خود را این طور تمام کرد: «به هرحال باید مدیران ما دست از این رویه بردارند که بلافاصله

چه کسی مسئول حفظ زبان پارسی است؟

رئیس سازمان صداوسیما بخش نامه صادر کرد که از امروز نظارت بر این موضوع در اجرای مجریان و اشعار سرودها و ترانه‌ها شدت پیدا می‌کند. گویی جناب علی عسگری خودشان ضرورت این کار را درک نمی‌کرده‌اند، درحالی که دیدن چند برنامه تلویزیونی یا شنیدن چند سرود یا ترانه رادیو، به سرعت انسان را به این موضوع منتقل می‌کند. اینکه در برنامه‌های ورزشی می‌شنویم که فلان تیم کامبک کرد یا فلان بازیکن هت تریک کرد و یا فلان دروازه بان کلین شیت کرد یا در ترانه‌های رادیو فقط وصف چشم و آبرو با رویکرد غنائی و عشقی و محتوایی سخیف و کوچه بازاری می‌شنویم، به راحتی انسان را متوجه ضرورت اصلاح این وضع می‌کند و رئیس سازمان نباید منتظر تذکر مقام رهبری بماند، ضمن اینکه امثال بنده بارها این تذکر را به صدا و سیما و وزارت ارشاد داده ایم اما دریغ از درک اهمیت موضوع و احساس مسئولیت نسبت به آن توسط مسئولان این دو نهاد».

مطهری اضافه کرد: «مضمون برخی

نایب رئیس مجلس در یادداشتی رویه برخی مسئولان در مواجهه با تذکرات مقام معظم رهبری را غلط دانست.

به گزارش «ایسنا» علی مطهری نوشت: «مشاهده می‌کنیم که همواره پس از تذکر مقام رهبری به يك سازمان یا نهاد حکومتی، رئیس آن سازمان یا نهاد حکومتی بخش نامه غلاظ و شداد صادر می‌کند که از امروز باید چنین و چنان شود. گویی خود این روسا عقلشان به آن موضوع تذکر نمی‌رسیده و تا رهبر انقلاب بیان کرده‌اند متوجه موضوع شده‌اند. این رویه یادآور رفتار مقامات رژیم گذشته است که تا دستور از بالا می‌رسید همه جان نثار می‌شدند و آماده اجرای فرمان، گویی تا قبل از صدور دستور، وظیفه‌ای نداشته‌اند».

مطهری در ادامه به بخش نامه رئیس صداوسیما که مرتبط با تذکر مقام معظم رهبری بود، اشاره کرد: «تذکر اخیر رهبر انقلاب به صدا و سیما درباره پاسداری از زبان فارسی در اشعار، سرودها و ترانه‌ها و پرهیز از به کارگیری کلمات لاتین در برنامه‌های مختلف و توسط مجریان که تذکر بجا و لازمی بود، به همین سرنوشت دچار شد.

کتابخانه دیجیتال حضرت معصومه (ع)

راه‌اندازی می‌شود. همچنین تغییر و تحولاتی در کتابخانه انجام می‌شود که در زمان خودش اطلاع‌رسانی خواهد شد.

بیشتر کتب کتابخانه حرم حضرت معصومه (س) اهدایی است

وی یکی از ویژگی‌های کتابخانه آستان مقدس حضرت معصومه (س) را اهدایی بودن بیشتر کتاب‌ها عنوان کرد و افزود: در این کتابخانه خرید کتاب خیلی کم داریم و بیشتر کتاب‌ها اهدایی هستند، به طور مثال آیت‌الله مرعشی با اینکه خودشان کتابخانه داشتند اما تعداد زیادی کتاب خطی و سری و چاپ سنگی به این کتابخانه اهدا کردند و همین‌طور بسیاری دیگر از علما و بزرگان که به این کتابخانه تعلق خاطر دارند و بر خود فرض می‌دانند که اسمشان در زمره اهداکنندگان کتاب به این کتابخانه ثبت شود. عباسی همچنین به بخش مرمت و صحافی در کتابخانه آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه (س) اشاره و تصریح کرد: در این بخش کتبی که مشکل دارند چه چاپی و چه خطی به صورت تخصصی مرمت و صحافی می‌شوند. وی به فضای مناسب کتابخانه آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه (س) اشاره و عنوان کرد: ساختمان جدید کتابخانه که در صحن فاطمی است فضای کافی و مناسبی است برای کسانی که علاقه‌مندند در این فضا مطالعه داشته باشند و مراجعات بسیار زیادی هم داریم.



درحال حاضر در قسمت کتابخانه خواهران و برادران امکان امانت کتاب برای عموم وجود ندارد، گفت: امانت کتاب فعلاً برای خادمین و در موارد خاص هست ولی درحال برنامه‌ریزی هستیم که به‌زودی برنامه امانت کتاب را هم راه‌اندازی کنیم. به گفته وی، به علت قدمت کتاب‌ها و آماده نبودن ساز و کار اهدای کتاب مشخص نیست امانت کتاب برای عموم دقیقاً از چه زمانی راه‌اندازی شود ولی تلاش می‌کنیم این اتفاق در سال ۹۸ رقم بخورد. مدیر کتابخانه آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه (س) از راه‌اندازی بخش دیجیتال سازی کتب همزمان با دهه کرامت خبر داد و گفت: دیجیتال سازی کتب، به صورت تخصصی و با کتب مربوط به حضرت فاطمه معصومه (س) شروع می‌شود تا کتابخانه تخصصی حضرت هم به لحاظ فیزیکی و هم دیجیتالی در اختیار مخاطبان قرار گیرد. عباسی ادامه داد: بعد از دیجیتال سازی کتابخانه تخصصی حضرت فاطمه معصومه (س)، کتابخانه تخصصی زیارت هم به لحاظ فیزیکی و هم دیجیتال

در این کتابخانه وجود دارد، اظهار کرد: این کتابخانه با ۴ تالار مطالعه و در دو بخش خواهران و برادران که هر بخش مستقلاً اداره می‌شود مشغول خدمت‌رسانی به مراجعان می‌باشد. مدیر کتابخانه آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه (س) خاطرنشان کرد: باتوجه به قدمت این کتابخانه، هم‌اکنون نسخ کتب چاپی قدیمی که کمیاب و یا نایاب است در کتابخانه موجود می‌باشد. وی با اشاره به اینکه کتابخانه آستان مقدس حضرت معصومه (س) دو بخش دیگر نیز در داخل حرم دارد، گفت: در قسمت خواهران و برادران به صورت جداگانه کتب برای استفاده زائران در اختیار آنها قرار می‌گیرد. وی افزود: همچنین کتابخانه ویژه حرم نیز در شبستان نجمه خاتون مخصوص خواهران می‌باشد، که کتاب را به زائران تا زیارت بعدی امانت می‌دهد.

به‌زودی برنامه امانت کتاب راه‌اندازی می‌شود

وی با اشاره به قسمت ویژه نابینایان در این کتابخانه، گفت: قسمت خواهران از ۸ صبح تا ۸ شب به صورت یکسره برای مراجعه‌کنندگان قابل استفاده است و در قسمت برادران هم تالارهای همکف تا ۱۱ شب در خدمت مراجعین می‌باشد. وی با تأکید بر اینکه در حال حاضر باتوجه به ایام امتحانات و نیز کنکور تقریباً تمام تالارهای کتابخانه تکمیل است، افزود: روزانه بیش از ۷۰۰ نفر درحال استفاده از سالن‌های کتابخانه هستند. وی با اشاره به اینکه

مدیر کتابخانه آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه (س) از راه‌اندازی کتابخانه دیجیتال به صورت تخصصی برای کتب مربوط به حضرت فاطمه معصومه (س) همزمان با دهه کرامت خبر داد. محمد عباسی با بیان اینکه کتابخانه آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه (س) یکی از کتابخانه‌های بزرگ عمومی در ایران و از جمله قدیمی‌ترین کتابخانه‌های شهر قم است که در جوار قبر مطهر حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام و در صحن فاطمی واقع شده، گفت: قدمت این کتابخانه به قرن دوم و سوم هجری برمی‌گردد. وی افزود: براساس آنچه در کتب خطی ثبت شده است این کتابخانه نه به شکل فعلی، اما از آن زمان وجود داشته، به طوری که در کتب خطی، تاریخ تحویل به کتابدار قید شده که نشان می‌دهد در آن دوران چنین کتابخانه‌ای وجود داشته است. وی اظهار داشت: با این وجود شکل‌گیری کتابخانه به صورت فعلی و به شکل مخزن کتاب به سال ۱۳۳۱ شمسی برمی‌گردد که تولید وقت با اهدای ۱۵۰۰ جلد کتاب خطی و غیرخطی این کتابخانه را راه‌اندازی کرد. وی ادامه داد: پس از آن با کتب خریداری و همچنین اهدای کتاب از سوی مراجع عظام، علما و شخصیت‌های برجسته‌ای همچون آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله نجفی مرعشی این کتابخانه تقویت شد.

وجود ۱۷۰ هزار کتاب چاپی و ۲ هزار نسخه خطی در کتابخانه حرم

عباسی با اعلام اینکه هم‌اکنون بیش از ۱۷۰ هزار کتاب چاپی و ۲ هزار نسخه خطی